

# خیانت به جنایت کشید

**گسترش روابط غیر اخلاقی به پرونده‌های قتل و متلاشی شدن کانون‌های خانواده منجر می‌شود**

**خواستگار قدیمی‌که برای رسیدن به عشق خود شوهر وی را به قتل رسانده حادثه را شرح داد.**
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۷ روز دوازدهم دی‌ماه سال گذشته رهگذری هنگام عبور از کنار رودخانه کن در روستای جهان آباد متوجه جسد مرد جوانی شد و با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت. لخطاتی بعد بود که تیمی از مأموران کلاتری ۱۷۰ کپریزک خودشان را به محل رساندند. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که مرد جوان در محل دیگری با اصابت جسمی سخت به سرش کشته و جسد وی در این محل رها شده است. بعد از تأیید جسد، کار آگاهان اداره دم پلیس آگاهی تهران برای بررسی تخصصی در محل حاضر شدند. بعد از بررسی صحنه جرم و تشکیل پرونده با موضوع قتل عمد، جسد برای تشخیص هویت و شناسایی عامل یا عاملان حادثه به پزشکی قانونی منتقل شد.

■ **شناسایی هویت**

کار آگاهان در اولین گام با بررسی لیست افرادی مشخصاتی که شاکیان از مرثی‌ را در اختیار شدند که یک روز قبل از کشف جسد، اعضای خانواده‌ی در اسلامشهر گم شدن مردی ۲۴ ساله به نام مرثی‌ را به پلیس گزارش داده‌اند. مشخصاتی که شاکیان از مرثی‌ را در اختیار پلیس گذاشته بودند با نشانی‌های جسد کشف شده مطابقت داشت به خاطر همین بود که خانواده وی به پزشکی قانونی دعوت شدند. آنها بعد از دیدن جسد، هویت او را تأیید کردند.

■ **ازدواج سنتی**

لیلا، همسر ۱۸ ساله مرثی‌ به پلیس گفت:

شوهرم صاحب مغازه فروش کفش کتانی در عبدال‌آباد است. او ساعت ۸ صبح روز یازدهم مثل هر روز برای رفتن به محل کارش خانه را ترک کرد و دیگر به خانه نبرگشت. هر چه با گوشی تلفن همراهش هم تماس گرفتم خاموش بود به خاطر همین ماجرا را به پلیس گزارش دادم. کار آگاهان در بررسی‌های میدانی متوجه شدند که مرثی‌ و لیلاز مدتی قبل باهم اختلاف دارند. لیلاقبل از ازدواج خواستگاری به نام حسن داشته که به او علاقه زیادی داشته است. همین موضوع انگیزه‌ای شد تا در مورد لیلا در این باره تحقیق شود. او گفت: از دواج من و مرثی‌ کاملاً سنتی بود. وقتی ۵ ساله بودم خانواده‌هایمان ما را برای هم نشان کرده بودند. ۵ سال قبل و در حالی که ۱۳ ساله بودم با مرثی‌ ازدواج کردم.

■ **اعتراف به قتل**

لیلا اتهام قتل را انکار کرد و گفت: ما مثل هر زوج دیگری با هم اختلاف داشتیم اما اختلاف ما به حدی نبود که بخواهیم به هم آسیب بزنیم. او در حالی که در تمامی مراحل تحقیقات قتل را انکار می‌کرد سرانجام عصر روز هجدهم مردادماه برده از راز جنایت برداشت.

■ **خواستگار قدیمی**

او توضیح داد من قبل از ازدواج، خواستگاری به نام حسن داشتم. بعد از ازدواج هم رابطه ما ادامه داشت. حسن که در ازدواج با من ناکام مانده بود تصمیم به قتل شوهرم گرفت. ساعت ۳ بامداد دهم دی ماه در حالی‌که شوهرم خواب بود، وارد خانه‌مان شد. میله‌ای آهنی در دست داشت و گفت که برای قتل شوهرم آمده‌است. من داخل

## حوادث

سرویس حوادث ۴۸۴۹۸۴۵



زندگی می‌کنند. به هر صورت که بود خودم را کنترل کردم. از لیلا پارچه گرفتم و دست و پای مرثی‌ را بستم. بعد جسد را داخل نایلون گذاشتم و به حیاط منتقل کردیم. بعد ماشینم را داخل حیاط آوردم و جسد را در صندلی عقب گذاشیم. بعد هم به طرف حاشیه شهر رانندگی کردم و جسد را در محل خلوتی انداختم و به خانه‌مان رفتم.

سر هنگ کارا آگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: لیلا و حسن در بازجویی‌ها به ارتکاب قتل اقرار کرده‌اند و قرار بازداشت آنها از سوی قاضی صادر شده است. سرهنگ مکرم از آنجا که حادثه در شهرستان اسلامشهر اتفاق افتاده است. دو متهم برای ادامه رسیدگی به پرونده در اختیار پلیس آگاهی شهرستان اسلامشهر قرار گرفتند.

# فریب با ایدز برای اسارت دختر فراری

داشت به همین دلیل قصد داشتیم با هم از دواج کنیم. چند روز قبل از فرارم او به خواستگاری‌ام آمد، اما پدرم با ازدواج مسا مخالفت کرد و مدعی بود من هنوز به سن ازدواج نرسیده‌ام. از آنجایی که او را خیلی دوست داشتم، افسرده شدم تا اینکه چند روز بعد داخل پارک با مرد میانسالی که مدعی بود مجرد است، آشنا شدم. او به من ابراز علاقه کرد و گفت وضع

شاک‌ی در توضیح ماجرا گفت: دخترم ساناز دانش آموز است. مدتی قبل متوجه شدم با پسر جوانی ارتباط دارد. چند روز قبل پسر جوان که وضع مالی خوبی دارد و حسابدار شرکت است به خواستگاری ساناز آمد، اما از آنجایی‌که وضع مالی‌ام خوب‌تر است در حال حاضر توان خرید چیزی‌به برای دخترم را ندارم به خواستگاری‌اش جواب منفی دادم. پس از این دخترم خیلی ناراحت بود تا اینکه امروز صبح وقتی از خواب بیدار شدم و به اتاق دخترم رفتم، خبری از او نبود. ابتدا فکر کردم به خانه بستگان یا دوستانش رفته است، اما هر چندتر تلاش کردم او را پیدا نکردم.

■ **تحقیق از خواستگار دختر نوجوان**

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی مرشدلو، باز پرس شعبه هفتم داسررای جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در نخستین گام از خواستگار دختر نوجوان تحقیق کردند، اما وی در مورد سرنوشت دختر مورد علاقه‌اش اظهار بی‌اطلاعی کرد. در حالی که بررسی‌های مأموران نشان می‌داد دختر گم شده به خاطر مخالفت خانواده‌اش با ازدواج پسر مورد علاقه‌اش از خانه فرار کرده است. مأموران پلیس مورد شدن با آموزش به خواستگار جوان ردی را در خانه یکی از دوستانش پیدا کنند.

■ **بازداشت دختر نوجوان**

مأموران در ادامه ساناز را بازداشت کردند و باحکم قضایی تحویل خانواده‌اش دادند، اما ماجرای فرار دختر نوجوان با پیدا نشدنش پایان نیافت و مشخص شد وی پس از فرار در دام مرد شیادی گرفتار شده است.

■ **تهدید ایدزی دختر فراری از سوی مرد شیاد**

ساناز با شکایت از مرد میانسال گفت: مدتی قبل با پسر مورد علاقه‌ام آشنا شدم. او خیلی مرادوست

مالی خوبی دارد و من هم به او اعتماد کردم. از آنجایی‌که می‌دانستم پدرم با از دواج مسا مخالفت می‌کند، نیمه‌های شب که همه خانواده‌ام خواب بودند از خانه فرار کردم و با مرد میانسال تماس گرفتم. او داخل خیابان به سراغم آمد و مرا به خانه‌اش برد. وقتی وارد خانه‌اش شدم، فهمیدم که او مجرد نیست و مرا فریب داده است. تصمیم گرفتم شب را آنجا بخواهم و بعد به خانه یکی از دوستانم بروم که در خواب ... پس از این در حالی که خواب بود، از خانه‌اش فرار کردم و به خانه یکی از دوستانم پناه برد.

پشیمان شده بودم و قصد داشتم با پدرم تماس بگیرم و موضوع را توضیح دهم که مرد میانسال با من تماس گرفت و گفت بسیاری ایدز دارد و مرا هم به این بیماری مبتلا کرده است. او مرا تهدید کرد تا دوباره پیشش بروم، اما من قبول نکردم و در خانه دوستم ماندم. پس از این به شدت ترسیده بودم و روز به روز افسرده‌تر می‌شدم و از ترس هم جرنت رفتن به خانه‌مان را نداشتم تا اینکه مأموران مخفیگاه مرا شناسایی کردند.

■ **بازداشت مرد شیاد**

پس از طرح شکایت از مرد شیاد، مأموران به دستور قاضی مرشدلو متهم را شناسایی و بازداشت کردند.

متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل شد. وی گفت: چندی قبل با این دختر آشنا شدم. از رفتارش فهمیدم که ارتباط خوبی با خانواده‌اش ندارد. وقتی به او ابراز علاقه کردم، او به من اطمینان کرد و پیشنهاد از دواج داد و من هم قبول کردم. ما چند روزی ارتباط تلفنی داشتیم تا اینکه شب حادثه با من تماس گرفت و گفت از خانه فرار کرده‌ام. از آنجایی که همسرم همراه فرزندم خانه پدرش بودند، او را به خانه‌مان آوردم تا اینکه صبح وقتی از خواب بیدار شدم، متوجه شدم او از خانه من هم فرار کرده است. وی در بازجویی مدعی شد که دختر نوجوان را تهدید به ایدز نکرده است.

متهم پس از بازجویی برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه به دستور قاضی مرشدلو در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

و مدتی بعد از اینکه پول‌هایش تمام شد به ایران برگشت و مدعی شد ارنیه او بیشتر از آن است که پدرم به او داده است. پس از طرح این ادعا همه‌هایم نیز همین موضوع را مطرح کردند و اختلافات ما شروع شد. روز حادثه من در خانه‌ام بودم که عمه‌هایم به خانه ما آمدند. آنها شروع به داد و فریاد کردند که من به آنها فحاشی کردم. از آنجایی می‌برد، ناگهان از هوش رفت و به زمین خورد و من اصلاً ضربه‌ای به او نزدم.

پس از طرح این ادعا، پزشکی قانونی علت مرگ زن میاسال را ضربه به سر اعلام کرد.

متهم صبح دیروز برای تفهیم اتهام و اعلام‌نظر به پزشکی قانونی از زن‌ان به شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنایی منتقل شد و از سوی قاضی مرشدلو مورد تحقیق قرار گرفت. وی در بازجویی‌ها حرف‌های قبلی را تکرار کرد و مدعی شد عملش به خاطر تومور مغزی قوت کرده‌است

و اعلام کرد به نظریه پزشکی قانونی اعتراض دارد.

پس از این، قاضی دستور داد تا پرونده برای رسیدگی در اختیار تیم پنج‌نفره پزشکی قانونی قرار بگیرد تا علت اصلی مرگ زن میاسال مشخص شود.

## آدم‌ربایی

## وکیل دادگستری

## به شیوه گانگستری

**سه گانگستر که برای بیرون کشیدن پرونده**

**میلیاردی از دست وکیل دادگستری وی را**

**به گروگان گرفته بودند، تحت تعقیب قضایی**

**قرار گرفتند.**

به گزارش خبرنگار ما، بامداد ۳۱ تیر ماه امسال مردی وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از سه مرد آدم‌ربا شکایت کرد.

شاک‌ی در توضیح ماجرا گفت: من وکیل دادگستری‌ام و دفتر کارم در حوالی سعادت‌آباد است. عصر روز دوشنبه ۲۸ تیرماه داخل دفترم مشغول مطالعه پرونده یکی از موکل‌هایم بودم که به این بیماری مبتلا کرده است. وقتی در راباز کردم مردی با کلاه کلسکت وارددفترم شد و با چاقویی به من حمله کرد و مرا به زمین زد.

پس از این، کارت شناسایی به‌من نشان داد و مدعی شد نیروی حفاظتی دادگستری است. مرد خشن تمامی پرونده‌های وی روزی مرا به هم ریخت و بعد پرونده اختلاف میلیاردی که من و کالت آن را به عهده داشتم، از روی میزم برداشت و با تهدید چاقو خواست با او بیرون بروم.

داخل خیابان مرا مجبور کرد تا تاکسی درستی گرایه کنم. وی نفری در صندلی عقب نشستیم تا اینکه خیابانی آن طرف‌تر از راننده خواست خودرواش را نگه دارد و بعد مسرا به داخل خودرو پزو پارسی برد که در مرد تقابدار داخل آن نشسته بودند پس از این آنها چشم‌های مرا بستند و سرم را به زیر صندلی بردند و به راه افتادند تا اینکه ساعتی بعد خودرو وارد پارکینگی شد و مرا پیاده کردند. آنها مرا به داخل زیر زمینی بردند که حدود ۲۰ پله داشت و بعد داخل اتاقک شش متری حبس کردند. آنجا چشم‌های مرا باز کردند و چند بر که به من دادند خواستند تا پرونده‌هایی که وکالت آنها را به عهده دارم، بنویسم. آنها مرا شکنجه روحی می‌دادند و گاهی هم مرا آتک می‌زدند و مدعی بودند که من کل‌چاقی کنی می‌کنم. از ترس، تعدادی از پرونده‌ها را نوشتم و امضا کردم. سه مرد خشن سه روز مر ادر اتاقک شش متری حبس کردند و در این سه روز مقدار کمی غذایه من دادند و روزی یک بار هم چشم‌های مرا می‌بستند و برای دستنبویی از اتاقک بیرون می‌آوردند تا اینکه شب سوم برای چندمین بار به سراغ من آمدند و به شدت مرا کتک زدند. آنها مسرا تهدید کردند تا از وکالت پرونده میلیاردی انصراف دهم و من هم از ترس قبول کردم تا اینکه مرا نیمه‌های شب از اتاقک بیرون آوردند و سوار خودرو کردند. آنها مرا ساعتی بعد داخل خیابان خلوتی از خودرو به پایین پرتاب نکردم، اما من نانامه‌هایی بعد چشم‌هایم را باز کردم اما موفق به برداشتن شماره پلاک خودروی پارس نشدم و فقط فهمیدم مرا در یکی از خیابان‌های تهرانسرها کرده‌اند.

پس از طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی آرش سیفی بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران برای رسیدگی و شناسایی آدم‌ربایان در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در تلاشند تا با شناسایی متهمان راز این آدم‌ربایی را بر ملا کنند.

### ۲ کشته بر سر آب خوردن گله

**دعوا بر سر نوبت آب گوسفندان در یکی از روستاهای شهر کرد منجر به قتل دو چوپان شد.**

این حادثه شامگاه دوشنبه در روستای بن‌جان بخش لاران شهر کرد اتفاق افتاد. بررسی‌ها نشان داد دو چوپان بر سر نوبت آب دادن گله با هم درگیر شدند. وقتی مشاجر ه آنها بالا گرفت یکی از چوپان‌ها دیگری را به ضرب گلوله هدف قرار داد و به قتل رساند. بعد از وقوع حادثه بود که همراهان مقتول با چوپان قاتل درگیر شدند و یکی از آنها او را با ضربه چوب هدف قرار داد که کشته شد. عبدالحسین حبیبی، بخشدار لاران شهر کرد به «ایرنا» گفت: متهم بعد از وقوع حادثه متواری شده و تلاش برای بازداشت او در جریان است.

### پیدا شدن حیوان جگر خوار در کرمان

**پیدا شدن حیوان مرموز در شهداد کرمان نگرانی اهالی را به همراه داشته است. این حیوان پیداز تلف کردن گوسفندها و طیور، سینه آنها را شکافته و بعد از خوردن جگرشان ناپدید می‌شود.**

این خبر را روز گذشته مهدی حسن رضایور، بخشدار شهداد به «ایرنا» گفته است. وی توضیح داد این حیوان مرموز در دو ماه گذشته حدود ۲۰۰ گوسفند و مرغ و خروس را به این شیوه تلف کرده است. گزارش‌های وقوع حوادث، ابتدا از روستای کیشوتیبه شروع شد و به منطقه اندوهجرد، تکاب و شهداد هم سرایت کرد.

رضایور گفت: این حیوان فقط به گوسفندان کوچک، مرغ و طیور حمله می‌کند و از جگر و اعضای داخلی آنها تغذیه می‌کند و گزارش‌ها درباره حمله به انسان یا حیوان‌های بزرگ گزارش نشده است.

وی افزود: حملات این حیوان به‌سرعت به اداره حفاظت محیط زیست گزارش شده است و چندین بار کارشناسان این اداره با حضور در محل بررسی‌های لازم را انجام داده و گشت‌های شبانه را برقرار کرده‌اند. وی گفت: برای شکار تصویر حیوان یا حیوانات احتمالی، دوربین تله‌ای به مدت ۱۰ روز در منطقه شهداد نصب شده است.

بخش شهداد در فاصله ۱۰۰ کیلومتری مرکز استان و در حاشیه کویر لوت واقع شده است.

### مرگ ۲ زن جوان در استخر خانگی

**دوزن جوان به‌طور مرموزی در استخر خانگی شان در شمال تهران غرق شدند.**

این حادثه شامگاه دوشنبه در ساختمانی پنج طبقه در کامرانیه اتفاق افتاد. محل حادثه استخر ۳۰ متری در طبقه منفی یک ساختمان بود و قربانیان حادثه دوزن ۲۱ و ۲۴ ساله بودند. ساکنان ساختمان که اجساد را کشف کرده بودند، خیلی زود با پلیس و امدادگران تماس گرفتند. بعد از تأیید فوت دوزن جوان بود که اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد. بررسی‌ها در این باره در جریان است.

### حمله افراد ناشناس به کلاتری

**افراد ناشناس با نارنجک صوتی به یکی از کلاتری‌های شهر ستان سردشت حمله کردند.**
عزیز حسینی، فرماندار شهرستان سردشت به «ایرنا» گفت: این حادثه عصر روز دوشنبه اتفاق افتاد که در جریان آن دو موتورسوار تقابدار سه نارنجک صوتی به داخل کلاتری ۱۱ شهید علویبر انداختند که باعث شکسته شدن شیشه اتومبیل‌ها و شیشه تعدادی از مغازه‌های اطراف شد. وی گفت: کسی در جریان حادثه آسیب ندید و تلاش برای بازداشت متهمان در جریان است.

### انفجار مرگبار در کارخانه تولید فوم

**انفجار دیگ بخار یکی از کارخانه‌های تولید فوم شهرک صنعتی شیراز یک کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت.**
عزیز حسینی، فرماندار شهرستان سردشت به «ایرنا» گفت: این حادثه روز گذشته اتفاق افتاد و امدادگران لحظاتی بعد خارج کردند. آنها همچنین پنج مصدوم دیگر را از زیر آوار خارج و به بیمارستان منتقل کردند.



باشگاه حقوقی

**تکاتی برای یک معامله بی‌دردسر (۱)**

از نظر قانون، اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفتر اسناد رسمی یا نزد مأموران رسمی دولت در حدود صلاحیت آنها با بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، سند رسمی است و قراردادی که تحت عنوان قولنامه در بنگاه‌های معاملاتی یا بیرون از آنجا تنظیم می‌شود، سند عادی است. خریدار و فروشنده باید نهایت دقت را در تنظیم آن داشته باشند تا بعدها دچار مشکل نشوند. یکی از نکاتی که باید به آن توجه شود این است که خریدار باید مشخصات مالی که قصد خرید آن را دارد با آنچه در سند سفید شده است، مطابقت دهد و مشخص شود که مال در وثیقه یا رهن و یا در توقیف نباشد. استعلام از ثبت اسناد و استفاده از کد رهگیری در اینجا کارساز است. اگر مورد معامله ملک است، خریدار بررسی کند که منضمات، ملحقات و مشاعات ملک به‌طور واضح در سند توصیف شده باشد مانند آب، برق، گاز، تلفن، پارکینگ، انباری و غیره. فروشنده باید مشخصات ملک را در قولنامه مشخص کند مخصوصاً زمانی که این مشخصات مربوط به عیب و نقص مورد معامله است. همچنین باید مطمئن شود که ملک مذکور در تصرف مستأجر نباشد و اگر این‌گونه بود، لازم است مهلت و ضمانت اجرای بیرون رفتن مستأجر نوشته شود و نکته دیگر توجه به این مسئله است که ملک مشکل ثبتی نداشته باشد.